

آزوفا:

رویکردی جدید در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

احمد صفاری مقدم*

چکیده

مقاله حاضر به بیست سال تجربه نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حوزه آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان پرداخته است. نگارنده مأموریت‌های آموزشی خود در دانشگاه‌های بوسنی و کره جنوبی را پایه تحقیقات مربوط قرار داده و، با بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی و عملکرد مثبت نهادهای متولی، به طرح مسائل و کاستی‌های عمده پرداخته؛ آنگاه شکل‌گیری بخش آزوفا در سال‌های اخیر و رویکرد جدید پژوهشگاه در این حوزه را مطرح ساخته است. براساس این رویکرد، اولاً لازم است که سطح آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و فرزندان ایرانی دور از وطن، با تکیه بر روش‌های نوین آموزشی و همکاری با نهادهای متولی، به‌طور جدی ارتقا داده شود و، ثانیاً، ترویج جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی ایرانیان به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگ بشری هدف والاتر آموزش زبان تعریف شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان فارسی، میراث فرهنگی ایران، نهادهای متولی، شیوه‌های آموزشی، جذابیت‌های صوتی تصویری

مقدمه

آموزش و پژوهش در حوزه فرهنگ و تمدن ایران، به‌ویژه در دوران اسلامی، عمدتاً از دوره صفویه، با برقراری روابط تجاری و سیاسی بین ایران و دولت‌های اروپایی، در خارج از کشور و اغلب به صورت تلاش‌های فردی آغاز گردیده است. در این میان، بیش از همه، به

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۲
as_moqaddam@yahoo.com

آموزش زبان و ادبیات فارسی و پژوهش درباره آن پرداخته شده که در طول قرن بیستم، به دلیل ارتقای سطح روابط بین‌المللی و نزدیکی ملت‌ها، رشد فزاینده‌ای یافته است. آموزش زبان و ادب فارسی، مخصوصاً در نیم قرن گذشته، به دلیل کوشش نهادهای مسئول و متولی این حوزه جهش چشمگیری را نشان می‌دهد. بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی و روابط فرهنگی در خارج از کشور حاکی از واقعیت‌های زیر است:

۱. گستره کنونی آموزش زبان و ادب فارسی در جهان فراتر از حیطه نظارتی نهادهای متولی (به‌ویژه شورا و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی) است و این امر امکان بسط فرهنگی و تمدنی ایران را تقویت می‌نماید.

۲. هم در بخش نظارتی نهادهای متولی و هم در بخش مستقل از این نهادها، امکانات بالقوه دیگر برای رشد آموزش زبان و ترویج جذابیت‌های فرهنگی ایران مشهود است.

۳. واقعیت‌های عصر حاضر در مورد جهانی شدن، رقابت‌های بین‌المللی، روابط سیاسی و اقتصادی، رفتار خصمانه برخی قدرت‌های مدعی، تبلیغات منفی و بدبین ساختن اذهان ملت‌ها نسبت به جامعه ایرانی، بر ضرورت ترویج بیش از پیش ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی ملت ایران در جهان دلالت دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از اوایل تأسیس، تجاربی طولانی در اعزام استاد زبان و ادبیات فارسی به خارج از کشور و اجرای طرح‌های پژوهشی در زمینه زبان، ادب و فرهنگ ایران داشته و از متعهدترین نهادهای فرهنگی ایران شمرده می‌شود. مقاله حاضر به شرح قسمتی از تلاش‌های پژوهشگاه، که طی بیست سال گذشته برای رشد و ارتقای آموزش زبان فارسی در مراکز علمی و آموزشی خارج از کشور صورت گرفته، می‌پردازد و رویکرد متکی بر مبانی و جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران به عنوان محتوای آموزش زبان فارسی را مطرح می‌سازد. همکاری و هماهنگی با «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، «مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» و دیگر مراکز مرتبط از محورهای پایه در برنامه‌ریزی پژوهشگاه شمرده می‌شود.

گروه پژوهشی «آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان» بر پایه تلاش بیست‌ساله بنیاد گرفته است. نام اختصاری این گروه «آزوفا» پیشنهاد گردیده که، در مقایسه با «آزفا» یعنی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، بر ضرورت حضور مبانی فرهنگی و تمدنی ایران در این رشته تأکید دارد.

محتوای مقاله کلاً براساس تجارب نگارنده در دانشگاه سارایوو، در کشور بوسنی و

هرزگوین، و نیز دانشگاه مطالعات خارجی هنکوک در کره جنوبی شکل یافته و با تجربه آموزشی و پژوهشی سال‌های بعد در ایران سنجیده و تأیید گردیده است. در آغاز، به شرح هریک از دو تجربه اولیه در دانشگاه‌های سارایوو و هنکوک و همچنین وضعیت آموزش زبان فارسی در کشور امریکا پرداخته شده تا شرایط این حوزه برای کسانی که خود در محیط‌های آموزشی خارج از کشور حضور نداشته‌اند آشکار و ملموس گردد. یافته‌های آموزشی و فرهنگی برگرفته از این تجارب نیز افزوده شده تا به روشن ساختن زمینه‌ها و امکانات بالقوه برای ارتقای آموزش زبان فارسی کمک نماید. در ادامه، وضعیت آموزشی و عملکرد نهادهای متولی گسترش زبان و ادبیات فارسی در سه حوزه آموزش، گسترش و پشتیبانی مطرح شده و بر مبنای یافته‌های تجربی ارزیابی گردیده است. شکل‌گیری بخش آروفا و فعالیت‌های پژوهشی آن و بحث در رویکرد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

دانشگاه سارایوو

نخستین تجربه نگارنده در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان مأموریت تدریس در دانشگاه سارایوو بود. تا آن زمان از سارایوو، آن پایتخت زیبای بوسنی و هرزگوین، که چند هزار کیلومتر با ایران فاصله داشته و بخشی از کشور یوگسلاوی محسوب می‌شد چیزی نمی‌دانستم اما با ورود به آن کشور مات و مبهوت شدم، چه خود را در سرزمینی آشنا، دوست‌داشتنی، و، در واقع، خویشاوندی فرهنگی در اروپا یافتم که زمانی بزرگ‌ترین و زیباترین شهر امپراتوری عثمانی شمرده می‌شد. جذاب‌ترین نکته مربوط به بوسنی اینکه سلطان محمد فاتح، امپراتور بزرگ عثمانی، در سال ۱۴۶۳م آن را به تصرف خود درآورد و عثمانی‌ها، که خود مجذوب زبان و ادب و فرهنگ ایران بودند، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در این سرزمین رواج بخشیدند به گونه‌ای که حتی اسم سارایوو با واژه فارسی «سرا» ساخته شد. واژه‌های ایرانی بسیاری به زبان بوسنی یعنی صربوکرواتی راه یافت. مردم سارایوو، بدون آنکه با کشور ایران آشنایی و ارتباط مستقیمی داشته باشند، با ادبیات فارسی آشنا شدند. شاعران متعددی پرورش یافتند که به فارسی شعر سرودند و حتی احمد سودی بوسنوی به شرح و تفسیر آثار بزرگ ادب فارسی، از جمله اشعار حافظ و مولوی، پرداخت. عشق و علاقه اهالی بوسنی به فرهنگ و ادب فارسی چنان بود که آموزش زبان فارسی را در برنامه مدارس و مراکز آموزشی خود قرار دادند و به تکلم فارسی

پرداختند. پنجشنبه‌شب‌ها در تکایا برنامه‌ی مثنوی‌خوانی اجرا می‌کردند و هر سال برای برگزاری شب شعر دور هم جمع می‌شدند. این ضرب‌المثل که «در بهشت به زبان عربی تکلم می‌کنند لیکن اگر بخواهی به بهشت برسی باید زبان فارسی بدانی» یادگار آن دوران است.

در سال ۱۳۶۹ که مأموریت خود را در دانشکده‌ی فلسفه‌ی سارایوو آغاز کردم، گروه خاورشناسی یکی از دوازده گروه آموزشی آن دانشکده بود. از زبان‌های شرقی، ترکی، عربی و فارسی در آن تدریس می‌شد. در سال اول، جمعاً ۴۴ دانشجو، و در سال دوم، ۱۵ تن از دانشجویان رشته‌ی خاورشناسی، اعم از مسلمان، صرب و کروات، به یادگیری زبان فارسی مشغول بودند. علاوه‌بر دانشجویان رسمی دانشگاه سارایوو، در کلاس‌های آموزش فارسی رایزنی فرهنگی ایران نیز ۲۳ نفر از استادان و دیگر علاقه‌مندان شرکت می‌کردند. از میان چهار نفر مدرسان زبان و ادبیات فارسی، تنها یک نفر در ایران تحصیل کرده بود و به زبان فارسی تسلط کافی داشت. سه نفر دیگر که دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند زبان فارسی را به‌زحمت تکلم می‌کردند.^۱

در دانشگاه سارایوو، علاوه‌بر کتاب‌های آرزوفا، تألیف دکتر یدالله ثمره، از دو کتاب اصلی برای آموزش زبان فارسی استفاده می‌شد: یکی کتاب *زبان فارسی* (شامل هجده درس، ۲۵۰۰ واژه در ۴۵۰ صفحه) تألیف اوچینی‌گوا و مام‌دزاده، استادان مؤسسه‌ی خاورشناسی دانشگاه مسکو که در درس‌ها، از سطح الفبا تا برخی اشعار کوتاه فارسی عمدتاً به مسائل روزمره‌ی زندگی در شهر مسکو و تحصیل در شوروی می‌پرداخت، جز یک درس که درباره‌ی آب و هوای ایران بود. در حالی که اثری از مباحث گفتاری زبان فارسی در آن دیده نمی‌شد، هم در گونه‌ی رسمی و هم گفتاری، به عنوان کتاب درسی اصلی به کار می‌رفت. کتاب دوم *ما به فارسی حرف می‌زنیم* نام داشت که در بیست درس و ۲۷۶ صفحه در سطحی بالاتر از کتاب قبلی تدوین یافته و شرح وضعیت اجتماعی ایران موضوع اصلی درس‌های آن بود. هر دو کتاب از نظر اصول آموزش در سطحی ضعیف و به لحاظ جذابیت‌های تنظیم، طراحی و چاپ بسیار نازل به شمار می‌رفتند. به‌ویژه در کتاب اخیر، اطلاعات کهنه و نادرستی درباره‌ی ایران به چاپ رسیده و بحث‌های مغرضانه‌ای در مورد ایران گنجانده شده بود. علاوه‌بر این، تبلیغات فرهنگی و اجتماعی زیادی به سود اتحاد جماهیر شوروی در آن به چشم می‌خورد. به‌طور کلی محتوای دروس چنان بود که هیچ‌گونه رغبتی به دیدن ایران در خواننده ایجاد نمی‌کرد.

آموزش ادبیات فارسی در دانشگاه سارایوو عمدتاً براساس سه اثر، *بختیارنامه*، *شعر معاصر*

ایران و گلستان شیخ سعدی شیرازی، که استادان آن دانشگاه آنها را تألیف و ترجمه کرده بودند، صورت می‌گرفت و دانشجویان با استفاده از این آثار و چهار منبع فرعی به نام‌های فارسی برای آلمانی، لاله‌زار فارسی، دستور زبان فارسی و *Reader A Modern Persian Prose* زبان فارسی و ادبیات کهن و معاصر ایران را فرامی‌گرفتند. در مجموع، تلاش دانشجویان دانشگاه سارایوو برای آموختن زبان و ادبیات فارسی، با محدودیت‌ها و اطلاعات ناقص، هم مایه شغف و شادمانی بود هم موجب حسرت و تأسف. اما همکاری نگارنده با این دانشگاه حقایق ارزشمندی در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان روشن ساخت که در شرایط کنونی نیز صادق است:

۱. کشور ایران از اعتبار فرهنگی و ادبی والایی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود برخوردار است که باید به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در ارتباط‌های بین‌المللی بیش از پیش مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد. به طوری که ملاحظه شد در دانشگاه سارایوو تنها سه زبان شرقی تدریس می‌شود و تدریس فارسی به دلیل جایگاه ارجمند فرهنگ و ادب ایران در تاریخ گذشته آن سرزمین است.

۲. بسیاری از مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور که وضعیتی مشابه دانشگاه سارایوو دارند از استادان بومی خود سود می‌برند. این استادان که عموماً امکان تحصیل در ایران را نداشته‌اند به سختی از عهده آموزش زبان و انتقال مفاهیم فرهنگی به زبان فارسی برمی‌آیند و این امر یکی از مشکلات بزرگ این حوزه است که حل آن به راهکارهای مؤثرتری نیاز دارد.

۳. در بوسنی و هرزگوین امکان به کار گرفتن فارغ‌التحصیلان رشته خاورشناسی (زبان فارسی) در مشاغل و فعالیت‌های مرتبط با این زبان تقریباً به هیچ وجه فراهم نبود. این نقیصه در اغلب مراکز آموزش زبان فارسی خارج از کشور موجب تضعیف جایگاه زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های بازار، از جمله انگلیسی، می‌شود. با این همه، بسیاری از علاقه‌مندان این زبان به انگیزه‌های ارتباطی و فرهنگی به یادگیری آن می‌پردازند و خود را برای ورود به ادبیات فارسی که دریایی بیکران از مفاهیم زیبا و دلنشین در اخلاق، زندگی، عشق، حکمت و عرفان است آماده می‌سازند.

۴. تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های ایران از عوامل بسیار تأثیرگذار در این حوزه است؛ چه، هر فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی که در یک مرکز علمی و فرهنگی خارج از کشور به کار مشغول شود در

مقام سفیر فرهنگی ایران عمل خواهد کرد و در جامعه خود بیشترین بازده ممکن را در ترویج زبان و فرهنگ و تمدن ایران خواهد داشت.^۲

۵. برای بهبود شرایط آموزش زبان فارسی دست کم باید به تألیف کتاب‌های درسی منطبق با شیوه‌های جدید آموزشی و تولید نرم‌افزارهای مطلوب پرداخته شود. ضمناً ضرورت دارد که ارزش‌ها و جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران در کتاب‌های آموزش عمومی زبان فارسی نشان داده شود. در صورت تألیف و تولید آثار مورد بحث به شکل یادشده، دانشجویان و حتی استادان زبان و ادب فارسی با هزینه‌ای کمتر و شیوه‌ای سهل‌تر، به دانش، آگاهی و رضایتی بسیار فراتر از گذشته دست خواهند یافت و، در غیر این صورت، آموزش‌های زبانی به درس‌هایی کسالت‌آور، بی‌روح و کم‌اثر تبدیل خواهد شد.

۶. بسیاری از آثار آموزشی زبان و ادب فارسی را ایرانیان و غیرایرانیان در خارج از کشور تألیف کرده‌اند که جای تقدیر دارد؛ با این همه، تألیف و تولید آثار مطلوب و تأثیرگذار آموزشی، ضمن ترویج و تبلیغ ارزش‌های فرهنگی، بیش از همه توسط ایرانیان امکان‌پذیر است و از آنان انتظار می‌رود.

دانشگاه مطالعات خارجی هنکوک

مأموریت دو ساله بوسنی و هرزگوین با یافته‌های مورد اشاره به پایان رسید و آغاز مأموریت بعدی به کره جنوبی تعهدات پژوهشی را، که همانا شناخت مسائل و مشکلات موجود و تلاش برای حل آنها است، یادآور گردید. به این ترتیب، با پیشنهاد تألیف دو جلد «فارسی عمومی» به شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، که به تأیید رسید، مسیر آزوفا در پژوهشگاه هموار گردید.

کشور کره جنوبی، به‌خلاف بوسنی و هرزگوین، قرابت تاریخی و فرهنگی با ایران ندارد و نمونه بارزی از کشورهایی است که تدریس زبان فارسی در آنجا از مشترکات گذشته دو کشور نشئت نمی‌گیرد. در زمان مأموریت طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵، تنها دانشگاه هنکوک دارای بخش فارسی بود. در این دانشگاه، بیست و پنج زبان خارجی تدریس می‌شد و هر زبان به تناسب اهمیت آن، به‌ویژه از نظر اقتصادی، جایگاه خاص خود را داشت. در دوره کارشناسی رشته زبان فارسی، هر سال سی نفر دانشجوی جدید پذیرفته می‌شدند و سالانه تعداد کمتری این دوره را به پایان می‌رساندند. در آن ایام، کمتر دانش‌آموخته‌ای می‌توانست به اعتبار یادگیری و دانش زبان فارسی وارد بازار کار شود.

ترکیب استادان بخش فارسی دانشگاه هنکوک تا حدودی به وضعیت دانشگاه سارایوو شباهت داشت. به طور کلی، همکاران آن بخش که در ایران تحصیل نکرده بودند مشکل تسلط زبانی داشتند؛ مثلاً، ادبیات فارسی به زبان کره‌ای تدریس می‌شد.

در کتاب‌های زبان فارسی که در دانشگاه هنکوک تدریس می‌شد نیز مزیت خاصی به چشم نمی‌خورد و جذابیت فرهنگی در آنها دیده نمی‌شد. محتوای کتاب‌ها منحصر به مقداری اطلاعات متنی، واژگانی و دستوری بود. استادی که متون فارسی را تدریس می‌کرد از اخبار و مباحثات مجلس شورای ملی قبل از انقلاب اسلامی بهره می‌برد. به این ترتیب، دوره آموزش زبان فارسی در دانشگاه هنکوک آگاهی چندانی در زمینه شناخت فرهنگ ایرانی به زبان‌آموزان نمی‌داد؛ به‌ویژه اینکه ایرانیان ساکن در کره بسیار محدود بودند و جمع خانواده‌های ایرانی در آن کشور، که به سفارت جمهوری اسلامی ایران تعلق داشتند، به ده نمی‌رسید.

آنچه از مأموریت کشور کره آموخته می‌شد مؤید یافته‌های بوسنی و هرزگوین و حاوی نکته‌های تازه‌ای بود که از تفاوت‌های موجود دو کشور نشئت می‌گرفت:

۱. عصر حاضر، به‌ویژه در طی یک قرن اخیر، به برکت اختراعات و اکتشافات جدید، به عصر ارتباطات تبدیل گردیده و حوزه ارتباط‌های زبانی به شدت توسعه یافته است. آموزش زبان‌ها و آشنایی با فرهنگ ملت‌ها در برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی از جایگاهی ویژه برخوردار است و این واقعیت به هر جامعه‌ای امکان می‌دهد که از طریق آموزش‌های زبانی و فرهنگی مؤثر امکانات ارتباطی با جوامع دیگر را تقویت نمایند.

۲. گرچه کره به لحاظ اقتصادی کشوری بسیار فعال و حساس است، دانشجویان زبان فارسی در آن کشور فاقد امکان بهره‌گیری اقتصادی از این رشته‌اند. از سوی دیگر، بین دو کشور ایران و کره، چنان‌که اشاره شد، پیوند تاریخی دیرینه‌ای وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که مزیت اقتصادی یا مشترکات تاریخی را نباید شرط اصلی آموزش زبان فارسی و رواج فرهنگ ایرانی در خارج از کشور دانست. بنابراین، توجه به آموزش دلبزیر زبان و شیوه‌های مؤثر ترویج فرهنگی در اولویت قرار می‌گیرد.

دانشگاه‌های امریکا

حوزه شناختی دیگر در آموزش زبان فارسی که بسیار قابل تأمل به نظر می‌رسد کشور امریکاست. جامعه آمریکا طی سه دهه اخیر در اثر تحولات انقلاب اسلامی ایران طیف وسیعی از ایرانیان را به خود جذب کرده و آموزش زبان فارسی را، هم به دلیل مسائل

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی و هم حضور چشمگیر ایرانیان، در کانون توجه مراکز فرهنگی و آموزشی خود قرار داده است. اطلاعات به دست آمده و تماس‌های حضوری نگارنده با برخی استادان زبان فارسی در دانشگاه‌های تکراس، پرینستن و پنسیلوانیا دلالت بر آن دارد که حدود یکصد دانشگاه و مرکز فرهنگی در این کشور به تأسیس بخش فارسی یا تشکیل کلاس‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. تحقیقات و تألیفات بسیاری در زمینه زبان و ادبیات فارسی در آن کشور به انجام رسیده و تدریس زبان اغلب در سطحی پیشرفته صورت می‌گیرد. انجمن استادان زبان فارسی آمریکا، در طی سال‌های اخیر، به توفیقات چشمگیری در ایجاد ارتباط و ارتقای سطح همکاری میان علاقه‌مندان و رشد زبان و ادب و فرهنگ ایران دست یافته است.^۳

وضعیت و عملکرد آموزش زبان فارسی

در میان همه نهادها و مراکز فرهنگی کشور که به امر اشاعه و تعلیم زبان فارسی در خارج از کشور اشتغال دارند، «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی» بالاترین مقام را به‌ویژه از نظر سیاست‌گذاری در اختیار دارد و «مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی»، به لحاظ برنامه‌ریزی و اجرا، برترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. با هر معیاری که به عملکرد این نهادها پرداخته شود حاصل آن جز احساس حرمت و حق‌شناسی نخواهد بود.^۴ وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و عملکرد نهادهای متولی این رشته در طی چند دهه گذشته را می‌توان در سه بخش گسترش، آموزش و پشتیبانی به شرح زیر خلاصه کرد:

گسترش

این بخش فعالیت‌های مربوط به تبلیغ و ترویج زبان و ادب فارسی، تأسیس بخش‌ها یا کرسی‌های زبان‌آموزی در آن مراکز و تشکیل کلاس‌های آموزشی در محل راینی‌ها را در برمی‌گیرد. گسترش زبان فارسی به معنای یاد شده از سال ۱۳۵۴ توسط وزارت علوم و آموزش عالی آغاز گردید. در سال ۱۳۶۶ شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی با عضویت وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، امور خارجه و شش تن از استادان و محققان صاحب‌نظر تأسیس شد، و با کمک این نهاد، فعالیت‌های مربوط به گسترش زبان و ادبیات فارسی به شکل مستمر و نظام‌مند ادامه یافت. با تأسیس

«گروه اجرایی گسترش زبان و ادبیات فارسی» از سال ۱۳۷۴ در «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، که در سال ۱۳۸۰ به مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی ارتقا یافت، نقطه عطفی در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی زبان فارسی پدید آمد.

رشد آموزش زبان فارسی در خارج از کشور طی چند دهه گذشته بسیار چشمگیر بوده و این واقعیت مرهون زحمات و خدمات نهادهای متولی این رشته، به‌ویژه شورا و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی است. خوشبختانه، گسترش زبان فارسی در جهان به تلاش‌های نهادهای مسئول ایرانی محدود نمی‌شود. بسیاری از کشورهای جهان، که با زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایران انس و الفت دیرینه داشته‌اند، گروه‌ها و بخش‌های این رشته را در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خود تأسیس کرده و مسئولیت‌های اجرایی و مالی آن را رأساً بر عهده گرفته‌اند. از آن جمله می‌توان دانشگاه آکسفرد را نام برد که پیشینه آموزش زبان فارسی در آن به اواخر قرن شانزده میلادی می‌رسد.

واقعیت یادشده مؤید آن است که نهادهای متولی می‌توانند، و ترجیح دارد، که تمامی مراکز آموزش زبان فارسی را، اعم از اینکه خود آنها را تأسیس و حمایت کرده باشند یا آن مراکز به صورت واحدهای خودجوش به کار پرداخته باشند، حیطة فعالیت و نظارت خود بدانند و تعهدی جهانی برای خود قائل شوند. توجه به این حوزه پهن‌آور در نیل به آرمان‌های زبانی و فرهنگی حاصلی بسیار گسترده‌تر خواهد داشت و طبعاً به توان و تلاش بیشتری نیاز دارد.

آموزش

کلاس‌های آموزش زبان فارسی از نظر اهداف، دانشجویان، استاد، کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس وسعت و تنوعی چشمگیر دارد. سطح و کیفیت آموزش در این کلاس‌ها را می‌توان در طیفی تصور کرد که، در یک طرف آن، فعال‌ترین و پیشرفته‌ترین کلاس‌ها جای دارند و، در طرف دیگر، به تدریج کلاس‌های متوسط یا ضعیف قرار می‌گیرند. توفیق در رشد و ارتقای آموزش به بررسی دقیق و مستمر تمامی این شرایط و تأمین حمایت‌های اجرایی و پژوهشی نیاز دارد. به دلیل اهمیت امر، به وضعیت دانشجویان، استاد، کتاب درسی و شیوه آموزش اشاره می‌شود:^۶

دانشجویان - در کلاس‌های فارسی مراکز دانشگاهی، بین دانشجویان از نظر برنامه و هدف تحصیلی شباهت زیادی وجود ندارد. در تعدادی از این مراکز، آموزش فارسی رشته

اصلی شمرده می‌شود. در تعداد دیگری، فارسی درس اجباری از رشته دیگری است و، در موارد زیادی، درسی اختیاری به حساب می‌آید. دوره‌های آموزش فارسی در رایزنی‌های فرهنگی اغلب به زبان‌آموزان متفرقه در سنین مختلف اختصاص دارد و شرکت در کلاس‌ها داوطلبانه است.

میزان علاقه‌مندی دانشجویان به زبان فارسی هم بسیار متفاوت است. این میزان دست‌کم در حد علاقه به یک زبان خارجی است که از شیرینی ارتباط و دوستی با اهل زبان ناشی می‌شود. علاقه‌مندی در این حد واقعییتی همگانی است و کمتر زبان‌آموزی پیدا می‌شود که ارزش این ارتباط را انکار نماید. آشنایی با هویت تاریخی و فرهنگی کشور و ملت ایران، به‌ویژه لذت بردن از ادبیات فارسی، از زمینه‌های دیگری است که نظر بسیاری از غیرفارسی‌زبانان را به خود جلب می‌نماید. لازم است به این دسته از عوامل، انگیزه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن نیز افزوده شود. پیشرفت فزاینده زبان فارسی به بررسی دقیق این انگیزه‌ها و یافتن راهکارهای مناسب برای تأمین خواست و نیاز زبان‌آموزان بستگی دارد. طبیعتاً نمی‌توان حل برخی مشکلات، از جمله کمبودهای اقتصادی و استخدامی را از نهادهای متولی انتظار داشت اما تقویت بعضی زمینه‌های دیگر، مانند جذابیت‌های آموزشی و فرهنگی، امکان‌پذیر و اثرگذار است.

مدرسان - استادان و مدرسان آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور را سه گروه استادان اعزامی از ایران، مدرسان ایرانی مستقل و مدرسان غیرایرانی و بومی هر کشور تشکیل می‌دهند. تنها از گروه اول که از ایران اعزام می‌شوند آمار دقیقی در دست است. این آمار در سال ۱۳۸۹ به حدود ۴۰ نفر می‌رسد. تعداد استادان ایرانی که مستقیماً از طریق مراکز آموزشی و فرهنگی در خارج از کشور به خدمت گرفته می‌شوند به مراتب بیشتر از استادان اعزامی است. این عده عموماً دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و غیرعلوم انسانی‌اند و، گرچه اغلب فاقد تخصص آموزش می‌باشند، با عشق و علاقه خاصی که به زبان و فرهنگ و هویت خود دارند به تدریس می‌پردازند و حضورشان را باید بسیار ارزنده و کارساز دانست. دسته سوم که اکثریت را تشکیل می‌دهند مدرسان غیرایرانی‌اند که معمولاً فرصت تحصیل در دانشگاه‌های ایران را نیافته‌اند و به لحاظ کمبود دانش و مهارت‌های زبانی در زحمت‌اند. ارتقای سطح توانایی گروه دوم، و به‌ویژه گروه سوم، تنها با شرکت آنان در برنامه‌های کوتاه و محدود دانش‌افزایی میسر نمی‌شود که این امر خود یکی از چالش‌های فراروی نهادهای متولی است.

برنامه‌های بخش فارسی در تعدادی از مراکز خارج از کشور به آموزش زبان محدود می‌شود و بسیاری هم به آموزش زبان و هم تدریس ادبیات فارسی می‌پردازند. جا دارد که آموزش زبان فارسی و ادبیات فارسی تخصص‌های جداگانه‌ای شمرده شوند.

استاد ادبیات فارسی برای تدریس ادبیات، حتی در داخل ایران، باید خود را از قبل مهیا سازد ولی روی هم رفته در اینجا با مشکلی مواجه نخواهد شد در حالی که تدریس در یک کشور خارجی آمادگی بیشتری می‌طلبد. در مراکز آموزشی خارج از کشور، دانش‌زبانی مخاطبان، انگیزه، علاقه و خواسته‌های آنان بسیار متفاوت است و، در صورتی که استاد با تمهیدات و آمادگی ویژه عازم مأموریت نشده باشد، شاید مدت زیادی طول بکشد تا خود را با وضعیت جدید تطبیق دهد و از توان بالای خود در راستای اهداف تعیین شده بهره گیرد. با این همه، داشتن تخصص در ادبیات فارسی و ایرانی بودن استاد به خودی خود امتیاز ارزشمندی در محیط آموزشی است که سرانجام راه توفیق را خواهد گشود.

اما چنانچه استاد ادبیات ملزم به تدریس زبان فارسی باشد با مشکل مواجه خواهد شد. این توضیح لازم است که گونه گفتاری زبان به شدت مورد توجه و علاقه زبان‌آموزان و اولیای امور در خارج از کشور می‌باشد، درحالی که اختلاف دو گونه گفتاری و نوشتاری در زبان فارسی بسیار شدید است و اهل ادبیات بیشتر با گونه نوشتاری مأنوس‌اند. حتی استادان دانشمند و موفق رشته ادبیات فارسی در تدریس زبان و گونه گفتاری آن غالباً خود را ناتوان می‌یابند. از این رو، بهره‌گیری از دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی بهترین گزینه برای تدریس زبان فارسی به شمار می‌آید.

کتاب‌های آموزشی - کتاب درسی مطلوب و نرم‌افزار مناسب آن مهم‌ترین رکن آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. اهمیت کتاب، به‌ویژه در خارج از کشور و هر جا که از محیط زبان فارسی فاصله بیشتری داشته باشد، برجسته‌تر می‌شود. تلاش ارزشمند تعدادی از استادان و علاقه‌مندان این رشته در طی چند دهه گذشته که با استفاده از زمان آزاد و فرصت‌های محدود خود، بدون چشمداشت مادی، به تحقیق و تألیف کتاب‌های درسی پرداخته‌اند پیشرفت‌های این حوزه را تاکنون میسر ساخته است. در این میان، چند اثر زیر، علاوه بر مجموعه *زبان فارسی*^۶، بیش از همه، بار آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را به دوش کشیده‌اند. ضمن تقدیر از زحمات مؤلفان، لازم است که نقش بسیار تأثیرگذار این رکن اصلی بیش از پیش مورد توجه واقع شود:

آموزش زبان فارسی، یدالله ثمره

آموزش زبان فارسی از مبتدی تا پیشرفته، مهدی ضرغامیان
آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان، جلیل بانان صادقیان
درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی، تقی پورنامداریان
فارسی بیاموزیم، ذوالفقاری و همکاران
آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان، ضیاء تاج‌الدین
فارسی عمومی ۱، احمد صفارمقدم

تنها نرم‌افزار صوتی - تصویری ارزنده و معتبری که در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به صورت فیلم تهیه گردیده فارسی در گفتار اثر یحیی مدرسی است. شیوه‌های تدریس - شیوه تدریس از عواملی است که تاکنون کمتر از همه به آن پرداخته شده است. در طی یکصد سال گذشته، حوزه آموزش زبان شاید بیشتر از هر حوزه آموزشی دیگری دچار دگرگونی شده باشد. شیوه سنتی آموزش (translation method and classical method or grammar) (Richards and Rodgers 1990) که بیش از دو هزار سال، از آغاز مطالعات زبانی توسط پائینی در هند و تحقیقات ارسطو در یونان، قدمت دارد، در یک قرن اخیر، روش‌های بسیار متنوع و گذرا روبه‌رو شد. ساختارگرایی (structuralism) (Bloomfield 1933) در اوایل قرن بیستم دنیای جدیدی فراروی اهل زبان و زبان‌آموزان قرار داد. این رویکرد با دستور گشتاری‌زایشی (transformational generative grammar) (Chomsky 1965) عمیقاً متحول گردید و شیوه آزا یا آموزش زبان ارتباطی (communicative language teaching CLT) (Brown 2007) از آن نشئت گرفت. پس از آن، دیدگاه نقش‌گرایی (functionalism) (Halliday 1973) به جهت‌گیری و تقویت یادگیری انجامید و «آکاب» یا آموزش کاربرینان (task-based teaching (TBT) (Willis and Willis 2007) به شیوه‌های یادشده تنوع و جذابیت بیشتری بخشید. سرانجام، با آغاز دوره پساروش (postmethod era) (Kumaravadivelu 2003)، از حدود یک دهه گذشته، آموزش زبان به آزادی و انعطاف بیشتری دست یافت. تحولات پی‌درپی و گوناگون روش‌های آموزشی، گرچه روانی و ناپایداری شن و باد^۷ را تداعی می‌کند، آثار بسیار ارزنده و مثبتی در حوزه زبان‌آموزی به‌جا گذاشته است.

مجموعه بررسی‌های انجام‌شده حاکی از آن است که حوزه آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان از نظر محتوا و کیفیت به نسبت گسترش آن پیشرفت نداشته است. به نظر می‌رسد که نهادهای متولی، ترجیحاً و ناگزیر، امکانات خود را بیشتر بر تأسیس کرسی‌ها و

تشکیل کلاس‌های زبان فارسی و انتخاب و اعزام استاد به کلاس‌های درسی متمرکز ساخته‌اند و برای ارتقای سطح و کیفیت آموزش، به‌ویژه شیوه‌های تدریس و یادگیری، به همکاری و دستیاری نیاز دارند.

پشتیبانی

این بخش حاوی برنامه‌هایی است که نهادهای متولی، پس از تأسیس کرسی‌ها یا تشکیل کلاس‌های زبان فارسی، ضمن ارتباط با مراکز زبان‌آموزی در خارج از کشور، به اجرا می‌گذارند. عمده‌ترین برنامه‌های حمایتی عبارت‌اند از:

الف) برگزاری «مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی» هر دو سال یک بار که هفتمین آن در دی ماه ۱۳۸۹ برگزار گردید. برگزاری مجمع‌ها برنامه‌ای سودمند و ارزنده است که موجب تقویت ارتباط فرهنگی بین ایران و شخصیت‌های برجسته کشورهای مختلف در حوزه زبان، ادب و فرهنگ ایرانی می‌شود.

ب) برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی که از ارزش آموزشی زیادی برخوردار است. تعداد دوره‌هایی که تاکنون با همکاری دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت معلم، تربیت مدرس و علامه طباطبایی برگزار گردیده به ۷۴ می‌رسد.

پ) چاپ و نشر و ارسال کتب و نشریات آموزشی به مراکز خارج از کشور
ت) برگزاری همایش‌های زبانی، ادبی و فرهنگی و نیز کارگاه‌های آموزش زبان در داخل و خارج از کشور

ث) تشکیل نمایشگاه‌های کتاب و حمایت از مؤلفان و محققان زبان و ادب فارسی

ج) تامین نیازهای آموزشی، از جمله لابراتوارهای زبان و حمایت‌های مادی برنامه‌های یادشده با صرف نیرو، بودجه و امکانات محدودی که در اختیار نهادهای متولی قرار دارد به مورد اجرا درآمده و آثاری چشمگیر از خود به جا گذاشته است. ادامه حمایت‌های یادشده، توأم با طرح و اجرای برنامه‌های ارتقایی، بدون تردید رشد آموزش زبان فارسی در جهان را سرعت خواهد بخشید.

تأسیس آژوفا و رویکرد آن

در طی سال‌های اخیر، همکاری تنگاتنگی میان پژوهشگاه و نهادهای متولی، به‌ویژه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، آغاز گردیده و اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک با شورا

تجارب ارزشمندی دربرداشته است. این تجارب به شکل‌گیری و تأسیس بخش آزوفا انجامیده و امید می‌رود که پژوهشگاه علوم انسانی با تداوم اجرای طرح‌های ویژه آموزشی و فرهنگی نقش یاورانه خود را در عالی‌ترین سطح ممکن ایفا نماید.

رویکرد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به آموزش زبان فارسی در خارج از کشور بر بهره‌گیری از مجموعه جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران توأم با ارتقای کیفی آموزش تکیه دارد. در این رویکرد، فرهنگ و تمدن ایران به مجموعه عناصری اطلاق می‌شود که عمده‌ترین آنها را حیات تاریخی، کشورداری، دین، علم، زبان، ادبیات، معماری، هنر، میهن‌دوستی، هوشمندی و استعداد ایرانیان تشکیل می‌دهد. هر یک از این عناصر در حیات گذشته ملت ایران جایگاهی رفیع داشته و حاصل مجموعه میراث گرانبهای نیاکان ما شمرده می‌شود که با دشواری بسیار فراهم گردیده و به سهولت در اختیار نسل کنونی قرار گرفته است. ارزش‌های فرهنگی و تمدنی ملت ایران به گونه‌ای است که نه تنها ایرانیان خود به آن دلبستگی و پایبندی نشان می‌دهند بلکه محققان و خاورشناسان بر نقش ارزنده آن تأکید می‌نهند و از اینکه ایرانیان توانسته‌اند در برابر طوفان‌های مهیب حوادث و در پی قرن‌ها و هزاره‌ها پایدار بمانند و حتی مهاجمان و دشمنان را مجذوب سازند ابراز شگفتی می‌نمایند. میراث فرهنگی ایران پدیده ویژه‌ای است که تمامی مسئولان و اهل زبان و ادب در جایگاه جهانی آن و نقش بازدارنده‌ای که در برابر توطئه‌ها و بداندیشی‌های بیگانه ایفا می‌کند اتفاق نظر داشته و برای رشد و رواج آن علاقه و اشتیاق نشان می‌دهند. این عرصه با وسعت چشمگیر خود می‌تواند به زمینه‌ای بسیار تأثیرگذار برای برنامه‌ریزی و بهره‌گیری فرهنگی کشور در سطح جهان تبدیل گردد. با این همه، تا ارتقای آن به جایگاه جهانی مورد نظر فاصله زیادی به چشم می‌خورد.

در گروه پژوهشی «آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان» سه هدف و نقش اصلی زیر برای آموزش زبان فارسی تعریف گردیده است:

۱. ایجاد ارتباط و تعامل زبانی بین ایرانیان و ملت‌های دیگر به عنوان هدف پایه
 ۲. ترویج جذابیت‌های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان
 ۳. ترویج جذابیت‌های یادشده برای روشن ساختن اذهان جهانیان و رفع آثار سوء تبلیغات و تهاجمات فرهنگی
- اهداف سه‌گانه یادشده با اجرای برنامه‌های زیر تحقق خواهد یافت:

۱. تألیف کتاب‌های درسی ضمن ارتقای سطح و کیفیت آموزش با بهره‌گیری از پیشرفت‌های جهانی؛
 ۲. تولید نرم‌افزارهای لازم برای ارتقای آموزش و ارائه جذابیت‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی کشور و ملت ایران؛
 ۳. مطالعه مداوم در وضعیت آموزش زبان فارسی به منظور رفع مشکلات مربوط؛
- انتظار می‌رود که ارتقای سطح آموزش و انتقال جذابیت‌های یادشده، در مراکز آموزشی و فرهنگی، تدریجاً به نتایج مثبت زیر منجر گردد:
- الف) تقویت حوزه زبان آموزی -** در قسمت‌های مختلف این مقاله به پاره‌ای کمبودها و ضرورت تقویت برخی بخش‌ها در حوزه آموزش زبان اشاره شد که از توجه و علاقه به این حوزه در خارج از کشور و نبود امکانات کافی حکایت دارد. تأمین منابع آموزشی و فرهنگی در سطح مطلوب یکی از زمینه‌های قابل اجرا در کشور است که کمبودهای موجود را تا حدود زیادی برطرف و جبران خواهد کرد و به تقویت کلی آموزش زبان فارسی خواهد انجامید.
- ب) ارتقای شأن و عزت ملی -** فرهنگ و تمدن ایرانی بخشی از میراث فرهنگی جهان را تشکیل می‌دهد که شایسته معرفی به اقوام و ملل دیگر و تلاش در جهت پاسداری از آن است. شأن و حرمت فرهنگی ایرانیان آنگاه در نزد دیگران پاس داشته می‌شود که ابزارهای آگاهی و شناخت کافی از این پیشینه و عرصه‌های وسیع رشد و پیشرفت‌های کنونی فراهم شده باشد. رویکرد آزوپا به مثابه چنین ابزاری عمل خواهد کرد و در ارتقای عزت ملی ایرانیان تأثیرگذار خواهد بود.
- پ) مقابله فرهنگی با تهاجمات فرهنگی -** تهاجمات فرهنگی و سیاسی از ناحیه قدرت‌های مدعی سابقه‌ای دیرینه در تاریخ روابط ملت‌ها و دولت‌ها داشته و ملت ایران از این واقعیت تلخ نه تنها بی‌نصیب نمانده که خسارت‌های سنگینی را متحمل گردیده است. در طی سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند تهاجمی قدرت‌های مورد اشاره نسبت به ایران و ایرانیان هرگز قطع نگردیده و اتهامات و تبلیغات ناروای آنان فروکش نکرده است. معاندان در این راستا همه امکانات رسانه‌ای، مهارت‌ها و تخصص‌های تبلیغاتی را به خدمت گرفته و با اخبار غیرواقعی، فیلم‌های سینمایی و انواع و اقسام روش‌های دیگر کوشیده‌اند که ملت ایران را محور شرارت، غیرمتمدن و تروریست نشان دهند. مقابله با این گونه تخاصمات و تهاجمات طبعاً برعهده اهل دانش و فرهنگ و هنر است و، در این میان، بهره‌گیری از شبکه جهانی

آموزش زبان فارسی برای مطرح ساختن حقانیت‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران به گونه‌ای معقول، مستند و چشم‌نواز یکی از راهکارهای مؤثر خواهد بود. توضیح این نکته ضروری است که تکیه بر مبانی فرهنگی و تمدنی ایران در رویکرد یادشده صرفاً در سطح آموزش زبان اعم از عمومی و تخصصی صورت می‌گیرد و ما را از پرداختن به تحقیقات و تألیفات ویژه در حوزه‌های دیگر، مانند ادبیات و تاریخ، بی‌نیاز نمی‌سازد.

طرح‌های پژوهشی مشترک پژوهشگاه و شورا

این طرح‌ها شامل فارسی عمومی ۱ و مجموعه زبان فارسی است که توضیح هر کدام به‌طور مختصر در زیر آورده می‌شود:

فارسی عمومی ۱

نخستین جلد از دوره دوجلدی فارسی عمومی، که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد، براساس تجربه‌های آموزشی در دانشگاه هنکوک شکل گرفت. خوشبختانه امکان چاپ این جلد در کره فراهم نگردید زیرا آنچه در کشور کره تدوین یافت مجموعه‌ای از اطلاعات زبانی بود که رنگ و بوی فرهنگ ایرانی به ندرت در آن احساس می‌شد. فارسی عمومی ۱، پس از آنکه در ایران مورد تجدید نظر قرار گرفت و به مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران مزین گردید به همت شورای گسترش در سال ۱۳۷۷ انتشار یافت. اثر چاپ‌شده، به‌رغم کمبودهای آن، به‌ویژه از نظر نداشتن نرم‌افزار صوتی و تصویری، از آن زمان تا کنون به عنوان کتاب درسی در دانشگاه‌های منچستر و آکسفورد، و طبعاً در مراکز دیگر، به‌کار رفته است. این تجربه کوچک تأکید دیگری بر این واقعیت است که پژوهشگر ایرانی در محیط ایران بهتر و بیشتر از هرکس و هر جای دیگر امکان تولید آثار آموزشی مطلوب برای زبان فارسی را در اختیار دارد.

مجموعه زبان فارسی

بازخوردهای مثبتی که با نشر فارسی عمومی ۱ حاصل گردید تألیف جلد دوم آن را به‌عنوان طرحی پژوهشی در برنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قرار داد و، به این ترتیب، عرصه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به تدریج مورد توجه جدی واقع شد. حمایت مدیریت پژوهشگاه و هماهنگی شورای گسترش طرح یک جلدی را به طرح ۹ جلدی به نام «زبان فارسی» تبدیل ساخت. این طرح مشتمل بر چهار کتاب درسی، چهار کتاب

کار و یک کتاب راهنما همراه با نرم‌افزارهای صوتی - تصویری است. اجرای آن ده سال پیش آغاز شده و هنوز ادامه دارد.

مجموعه زبان فارسی به عنوان طرح مشترک پژوهشگاه و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی به هزینه آن شورا در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ چاپ و نشر یافت و سی‌دی نخستین کتاب آن، در «سومین جشنواره بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال تهران - ۱۳۸۸»، نرم‌افزار برگزیده شناخته شد. سی‌دی‌های آزمایشی کتاب‌های دوم، سوم و چهارم در «هفتمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی»، که در دی‌ماه ۱۳۸۹ در دانشگاه تهران برگزار شد، رونمایی گردید. ویرایش و تجدید چاپ کتاب‌ها و تکمیل نرم‌افزارها طی ماه‌های آینده به انجام خواهد رسید.

بخش آزوفا طرح‌های متعددی در ترویج زبان، ادبیات و فرهنگ ایران مطرح و پیشنهاد نموده که مورد تأیید کلی قرار گرفته است. این طرح‌ها بر اولویت‌های مورد علاقه و نیاز زبان‌آموزان و اهمیت محتوایی آنها از نظر سیاست‌های فرهنگی پژوهشگاه تکیه دارد. نخستین طرحی که پس از مجموعه زبان فارسی به اجرا در آمده «فارسی گفتاری» در دو کتاب است، که به دلیل نیاز شدید به یادگیری گونه گفتاری زبان فارسی با آموزش این گونه آغاز می‌شود و به تدریج به مهارت‌های خواندن و نوشتن می‌پردازد. طرح‌های بعدی در زمینه زبان تخصصی، ادبیات فارسی، تاریخ و تمدن ایران و مانند آن یکی پس از دیگری به مورد اجرا گذاشته خواهند شد و تأثیرات مثبت خود را در این حوزه خواهند گذاشت.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیلی که از مجموع فعالیت‌های مربوط به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان صورت گرفت پاره‌ای عوامل به شرح زیر بازدارنده گسترش زبان فارسی در خارج از کشور شمرده می‌شوند اما نباید آنها را تهدید جدی در این عرصه به حساب آورد:

۱. عدم امکان اشتغال زبان‌آموزان از طریق آموزش زبان فارسی از موانع توسعه این زبان به شمار می‌آید. با این همه، بسیاری از فارسی‌آموزان به امید کاریابی و اشتغال به آموختن فارسی روی نمی‌آورند بلکه آشنایی با این زبان و فرهنگ جدید را دریچه‌ای به دنیایی نو می‌شمارند.

۲. در اکثر مراکز آموزشی، استاد ایرانی اعزامی حضور ندارد و مراکز آموزشی از استادان ایرانی و غیرایرانی خود بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، محدودیت اعزام استاد از موانع اصلی رشد زبان فارسی نخواهد بود.

۳. حمایت مالی از مراکز آموزشی زبان و ادبیات فارسی عاملی مثبت و تأثیرگذار است اما ملاحظه می‌شود که بسیاری از مراکز زبانی از کمک‌های ایران برخوردار نیستند.
۴. از میان مدرسان زبان فارسی، تعداد محدودی فرصت شرکت در دوره‌های دانش‌افزایی را به دست می‌آورند.
۵. با عنایت به چهار عامل بالا و موارد مشابه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن تقدیر تلاش‌های نهادهای متولی و تأکید بر ضرورت استمرار این تلاش‌ها، در مقطع کنونی، مهم‌ترین نیاز آموزشی زبان فارسی در خارج از کشور را تألیف، تولید و توزیع کتاب‌های مطلوب آموزشی و نرم‌افزارهای جذاب زبان و فرهنگ ایران می‌داند و اعتقاد دارد که این رویکرد کمبودهای موجود را جبران خواهد نمود و در همه‌جا اثرگذاری بیشتری بر روند آموزش و ارتقای جایگاه فرهنگی و تمدنی ایران خواهد داشت. بخش آزوفا در همین راستا در پژوهشگاه تأسیس گردیده و همسو با نهادهای متولی به ایفای رسالت فرهنگی خود خواهد پرداخت.

پی‌نوشت

۱. هیئت علمی رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ساریو تشکیل می‌شد از (مرحوم) دکتر بشیر جاکا، فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، (مرحوم) صالح تراکو، مدرس میهمان، خانم آیدا داماجیج، کارشناس ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه بلگراد و خانم وسنا جوکیچ، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی در دانشکده فلسفه ساریوو. ضمناً خانم آیدا داماجیج مدت‌ها تلاش کرد که برای ادامه تحصیل در یکی از دانشگاه‌های ایران پذیرفته شود که با تأسف نتیجه‌ای حاصل نشد و یک امتیاز مسلم برای زبان فارسی در دانشگاه ساریوو از دست رفت.
۲. بدون شک، خدمات دکتر جاکا، دانش‌آموخته دانشگاه تهران، برای معرفی و ترویج زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین بسیار ارزشمند است.
۳. مجموعه اطلاعات شخصی و ارتباط‌های اینترنتی با مدرسان و دست‌اندرکاران.
۴. شایسته است که از نهادهای آموزشی و فرهنگی کشور به‌ویژه دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه‌های اصفهان، شیراز، امام خمینی قزوین، فردوسی مشهد و مراکز آموزشی قم، که هماهنگ با نهادهای متولی در عرصه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تلاش کرده‌اند، نیز تجلیل شود. نقش دانشگاه مجازی المصطفی (ص) در قم، که برای آموزش و ترویج زبان فارسی و فرهنگ اسلامی از شیوه‌های مجازی بهره می‌گیرد، در سال‌های اخیر بسیار چشمگیر بوده است.
۵. مجموعه مقالات و گزارش‌های چاپ شده در انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی،

- از جمله نشریه *نامه پارسی*، مقالات مجمع‌های اول تا هفتم استادان زبان و ادبیات فارسی، نیز اطلاعات شخصی.
۶. طرح مشترک شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که هنوز تکمیل نگردیده و شرح آن در پایان مقاله آورده شده است.
۷. تعبیری از مارک وارت به صورت: *changing winds and shifting sands* در اشاره به کثرت و بی‌ثباتی روش‌های آموزشی.

منابع

- امیری، کیومرث (۱۳۷۵). *زبان فارسی در جهان - انگلستان*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- اوچینی کوا، ی. ک. و مامدزاده، آ. ک. (۱۹۶۶). *کتاب زبان فارسی*، مسکو: مؤسسه خاورشناسی.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۸). *درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی* (مقدماتی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تاج‌الدین، ضیاء (۱۳۸۳). *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها* (دو جلد)، تهران: کانون زبان ایران.
- تراکو، صالح. *گلستان شیخ سعدی* (ترجمه به صربوکرواتی)، ساریوو.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۷). *آموزش زبان فارسی* (مجموعه آموزشی آزفا)، تهران: اداره کل روابط و همکاری‌های بین‌الملل، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جاکا، بچیر (۱۹۷۹). *شعر معاصر ایران*، یوگسلاوی: کروشواتس.
- جاکا، بچیر (۱۹۸۹). *بختیارنامه* (ترجمه به صربوکرواتی)، ساریوو: دانشگاه ساریوو.
- ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۸۳). *فارسی بیاموزیم* (مجموعه آموزشی)، تهران: مدرسه، وزارت آموزش و پرورش.
- رادویلیسکی، م. ا. (۱۹۷۳). *ما به فارسی حرف می‌زنیم*، مسکو: مؤسسه خاورشناسی.
- سبحانی، فرهاد (۱۹۶۲). *فارسی برای آلمانی*، برلن.
- سیکریچ، شاکر (۱۹۵۵). *لاله‌زار فارسی*، ساریوو: دانشگاه ساریوو.
- سیکریچ، شاکر (۱۹۵۵). *دستور زبان فارسی*، ساریوو: دانشگاه ساریوو.
- صادقیان، جلیل بانان (۱۳۷۷). *آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان* (دو جلدی)، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- صفارمقدم، احمد (۱۳۷۲). *زبان و ادبیات فارسی در بوسنی و هرزگوین*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- صفارمقدم، احمد (۱۳۷۶). «*دانشگاه هنکوک: پایگاه زبان فارسی در کره جنوبی*»، *نامه پارسی*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، س دوم، ش دوم.
- صفارمقدم، احمد (۱۳۷۷). *فارسی عمومی ۱*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

۷۰ آرزوفا: رویکردی جدید در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان ...

صفا، مقدم، احمد (۱۳۸۶). *زبان فارسی (مجموعه آموزشی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

ضرغامیان، مهدی (۱۳۷۶). *آموزش زبان فارسی از مبتدی تا پیشرفته (۳ جلد)*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۰). *فارسی در گفتار*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

Bloomfield, Leonard (1933). *Language*, New York: Henri Holt.

Brown, H. Douglas (2001). *Teaching by Principles, an Interactive Approach to Language Pedagogy*, 2th Edition. San Francisco State University.

Brown, H. Douglas (2007). *Principles of Language Learning and Teaching*, U.S.A.: Pearson Education, Inc.

Chomsky, Noam (1965). *Aspects of the Theory of Synta*, Cambridge, Mass: MIT Press.

Halliday, M. A.K. (1973). *Explorations in the functions of language*, London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. (1989). *Spoken and Written Language*, Oxford: Oxford University Press.

Kamshad, H. (1968). *A Modern Persian Prose Reader*, Cambridge: Cambridge University Press.

Kumaravadivelu, B. (2003). *Beyond Methods: Macrostrategies for Language Teaching*, New Haven, C. T.: Yale University Press.

Marckwardt, Albert D. (1972). "Changing winds and shifting sands", *MST English Quarterly*, 21: 3-11.

Richards, C. Jack and Theodore S. Rodgers. (1990). *Approaches and Methods in Language Teaching*, Cambridge: Cambridge University Press.

Willis, Dave and Jane Willis. (2007). *Doing Task-based Teaching*, Oxford: Oxford University Press.